



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۴/۱۷

عبدالباری جهانی

جواب مختصری به نوشته محترم داکتر صاحب کاظم (قسمت دوم)

داکتر صاحب محترم، در قسمت سوم مضمونیکه تحت عنوان چرا غبار از حقیقت در باره قاتل حیب الله خان طرفه میرو، مینگارند: « اینکه گفته شده که امان الله خان بدون سنجش از آمادگی قوای نظامی و با وجود نداشتن پول کافی برای مقابله با انگلیس علیه آنها اعلام جنگ کرد، باید به دو نکته توجه نمود: یکی اینکه شاه امان الله میدانست قوای نظامی او در برابر انگلیس ها ضعیف است، اما او با شجاعت بی نظیر و عزم بالجزم کمر به استرداد استقلال کامل کشور از یوغ انگلیس بسته بود و توانست آمادگی قوای ملی و مردمی را در ان جهاد به سادگی و موفقیت بسیج کند و دیگر آنکه اشاره به عدم توانایی نظامی دولت از زبان محمدنادرشاه معنی آنرا دارد که به همین دلیل او یکی از اشخاص کلیدی بود که نمیخواست علیه انگلیس فوراً جهاد اعلام گردد . . . »

اولاً باید از داکتر صاحب محترم بپرسیم که شما حقیقتاً هم به این عقیده هستید که در جنگ، و آنهم به مقابل بزرگترین قدرت استعماری وقت، در همسایگی یک کشور فقیر و عقب مانده، عدم آمادگی قوای نظامی و نداشتن پول کافی اهمیتی ندارد؛ و با هر قدرتی که مقابل شویم، مهم ایمان و شجاعت بینظیر میباشد. دیگر خیر خیریت است؟ در زمبنه باید بشما یاد آور شوم که در جنگ اول افغان و انگلیس، که قوای هند برتانوی شکست فاحش خوردند، وقتی قوای انگلیس، تحت رهبری جنرال ناپ و جنرال پولک، به غرض عملیات انتقامی، وارد جنگ شدند. در حالیکه قهرمانان جنگ اول افغان و انگلیس، وزیر اکبرخان، امین الله خان لوگری، نواب محمدزمانخان، محمدشاه خان غلجایی و سایرین همه زنده بودند مگر هیچ یکی نتوانستند که جلو عملیات انتقامی و جنایاتی، که انگلیس ها در مشرقی، کابل، استالف و چاریکار و سایر نقاط کشور مرتکب شدند، بگیرند. همان افغانهاییکه چند ماه قبل انگلیس ها را شکست شرم آور داده بودند قتل عام مردم استالف و چاریکار، ویران شدن و سوخته شدن بازار چهارچته کابل و چوروچپاول مردم را به چشم سر میدیدند ولی هیچ چیزی از دست شان ساخته نبود. آیا افغانهاییکه فقط چند ماه قبل، برای راندن دشمن دین و خاک، شجاعت بینظیری از خود نشان داده بودند، غیرت و شهامت خود را از دست داده بودند؟ هرگز نه. همان افغانها بودند ولی در وهله دوم نه آمادگی نظامی، نه اتفاق و رهبری سابق و نه اسلحه کافی داشتند. و همین عوامل باعث شدند تا افغانها همه جنایات دشمن را به چشم سر نگاه کنند و تقریباً هیچ عملی کرده نتوانند.

در جنگ میوند ایوب خان و قوای نظامی و مجاهدین او به قوای انگلیس شکستی داد که تا هنوز فراموش ننموده اند. و قوای انگلیس را تا دروازه های شهر قندهار تعقیب نمودند و قندهار را به محاصره کشید. ولی وقتی قوای انتقامی جنرال رابرتس بر قندهار حمله ورشد و ایوب خان به ارغنداب عقب کشید؛ شکستی را در پیرپایمال ارغنداب خورد که ایله خود را تا هرات رساند و تلفاتی را دید که شاید افغانها هیچ وقتی در هیچ جنگی چنین تلفات نظامی و ملکی را ندیده باشند.

چندی بعد همین ایوب خان در همان شهر قندهار با قوای نظامی عبدالرحمن خان مواجه شد و همان شکستی که از انگلیس ها نصیب شان شده بود از قوای عبدالرحمن خان بهره مند شد و تا ایران توقف ننمود. به عقیده شما ایوب خان در جنگ میوند شهامت و جرأت داشت و در مقابل جنرال رابرتس و بعداً در مقابل عبدالرحمن خان همان جرأت و شهامت را از دست داده بود؟ نخیر. مسله از تعادل قوای نظامی، تنظیم بهتر قواء و اسلحه و مهماتی بود که ایوب خان فاقد آن بود. یعنی اگر، بمقابل دشمن، تنها غیرت و شجاعت بینظیر کافی میبود ما افغانها انگلیس ها را تا دهلی و کلکته تعقیب میکردیم. ولی معلوم است که مسله نه چنین است. و بالاخره زمان و میدان جنگ بسیار زود ثابت ساخت که محمدنادرشاه و ایشک آقاسی نظامی شیراحمدخان، که شما انها را به خوشخدمتی انگلیس متهم میسازید، بر حق بودند.

مکاتیبی که، در جبهه جنگ جنوبی، بین سپه سالار نادرخان و شاه امان الله تبادل گرفته اند اهمیتی میدهید؟ در مکتوبیکه سپه سالار نادرخان به شاه امان الله فرستاده مینویسد که در جبهه جنگ دو توپ هویتزر وجود دارد که

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پزوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

برای هر یک آن ۲۵ مرمی داده شده بود که مجموعاً ۵۰ مرمی میشد و همه مرمی ها بمصرف رسیده اند و هر دو توپ بیکار هستند. باید که از کابل مهمات فرستاده شود.

داکتر صاحب محترم شما حقیقتاً به این عقیده هستید که با پنجاه مرمی هویترز باید به جنگ برتانیه میرفتیم؟ ثانیاً همین شاه امان الله، که شما به شهامت و شجاعت بینظیر او میباید، شرایط متارکه ویسرای هند را، که واقعاً شرایط ظالمانه و غیر قابل قبول بودند، منظور فرمودند و همین سپه سالار نادرخان، که شما او را دایماً فرستاده و انتخاب استعمار انگلیس میدانید، به جواب مکتوب شاه امان الله نوشت که اگر در وجود انسان از ۳۶۰ رگ، یک رگ هم خون داشته باشد تسلیم به چنین شرایطی نمیشود. شاه امان الله در جواب مینویسد که الحمدلله که شما را با خود هم نظر یافتیم و این شرایط را قبول نخواهم نمود. در حالیکه شاه آن شرایط را قبلاً قبول نموده بودند و صرف برای اطلاع سپه سالار به جبهه جنوبی فرستاده بود.

ثالثاً افغانستان برای آغاز جنگ اصلاً دلیلی نداشت. انگلیس ها اگر با استقلال افغانستان مخالفت میورزیدند، می باید که آنها این جنگ را آغاز مینمودند. چون امان الله خان نه تنها در بیانیه اولیه بعد از پادشاه شدن ایراد نمود افغانستان را یک کشور مستقل اعلان کرد و نماینده خود محمولی خان را، بحیث سفير، به بخارا فرستاد ولی در حقیقت امر او وظیفه داشت تا با اتحاد جماهیر شوروی روابط دیپلماتیک را قایم نمایند و ضمناً در کنفرانس صلح پاریس از افغانستان نمایندگی کند.

به این ترتیب می بینیم که امان الله خان نه تنها اعلام استقلال نموده بود بلکه عملاً، برخلاف قراردادی که بین اسلاف او و هند برتانیوی به امضاء رسیده بود و افغانستان را از قایم نمودن روابط دیپلماتیک با کشورهای خارجی منع مینمود، نماینده خود را به خارج از کشور فرستاده بود.

هیات افغانی بتاریخ ۴ جون سال ۱۹۱۹ به تاشکند رسید و حکومت اتحاد شوروی، چند روز قبل از رسیدن محمولی خان به تاشکند، اعلامیه یی را صادر نمود و در آن به پرولتاریای انقلابی ممالک شرق اعلان نموده بود که ما با بصبیری تمام در انتظار آن روزی هستیم که شما قدرت حکومتهای خود را بدست خود بگیرید. ما آرزو داریم که در مبارزه با نظام سرمایه داری جهان شان به شان با شما ایستاد شویم. خصوصاً بر ضد برتانیه که همه مردم بومی ممالک شرق را خفه نموده اند.

از هیات افغانی با احترام استقبال بعمل آمد و قونسلگری خود را در ترکمنستان افتتاح نمود. قونسل افغانستان میرشکار محمداسلم خان در بیانیه خود گفته بود که افغانستان بخاطری با برتانیه جنگ نمود که آن کشور آزادی مذهبی را منع نموده بود. ما با استبداد برتانیه جنگیدیم و دست دوستی را به سوی روسیه شوروی دراز کردیم. ما نه تنها بخاطر آزادی خود و مسلمانان هند متوسل به این اقدام شدیم بلکه ما برای همه مسلمانان جهان می جنگیم. او از ترکمن ها خواست که مس اتحاد شوروی را بر طلای برتانیه ترجیح بدهند. Adamec, Afghanistan Foreign Affairs

PP 52-53

شاه امان الله با وجود همه مشکلات اقتصادی و ضعف نظامی، با ریختن طرح دوستی با اتحاد شوروی، دشمنی با همسایه قوی شرقی خود، هند برتانوی، را شدیدتر و تند تر ساخت. شاه امان الله، با همه وطنخواهی و منوریت خود، یک ادم احساساتی و عجول بود. مشاورین او اکثراً جوانان نالایق و چاپلوس بودند که عامل عمده اشتباهات امیر، در پالیسی خارجی و داخلی، میگردد. مورخ فیض محمدکاتب، که شاهد همه جریانات انوقت بود، مینگارد: «وزراء و مامورین کشوری و لشکری را که هیچ یک زانوی نزد معلمی خم نکرده و جز خصایل رذیله جهالت دیگر چیزی نیاموخته بودند امر به اجرای امور مقننه قانونیه کرد. و ایشان چه از اغراض شخصی و چه از خواهشات نفسی راهی بیرون از شرع و قانون که سراپا اخذ رشوت و نسبت به دولت غدر و خیانت می نمود پیمودن گرفتند. . . .» تذکر الانقلاب ص ص ۴۶-۴۷

مورخ و نویسنده معاصر شاه امان الله، سردار اقبال علیشاه، در باره درباریهای چاپلوس و نالایکیکه به دور امان الله خان میچرخیدند مینویسد: «او کسانی را دوست داشتند که روی های زنان خانواده خود را لوچ نموده بودند و در بازار های کابل در موترهای لوکس و قیمتی سوار میشدند. وقتی به دربار میرسیدند با امان الله در باره مسایل حاد سیاسی سخن نیمکردند بلکه درباره دریشی جدید انگلیسی که پوشیده بود و یا درباره دامنی که از پاریس برای خانمهای آنها از پاریس فرستاده شده بودند سخن پراکنی میکردند. شاید این سخن سخت مسخره و بیجا به نظر آید مگر با وجود آن این یک حقیقت است.

وقتی وضع دربار بدین منوال باشد و یک عده جاه طلب و منفعت پرست دور و بر امان الله را احاطه نموده باشد آدم به آسانی در باره وضع و حالت حکومت را، هم در کابل و هم در ولایات، حدس زده میتواند. اداره کابل و ولایات به دست کسان بی رحمی افتاده بود که یاد آور همان روزهای تاریک قرون وسطی بود که هیچ کس اختیار حیات خود را نداشت.

The Tragedy of Amanullah, PP 179-180

شاه امان الله، به نسبت نفرتی که از، اوان جوانی، از برتانیه داشت، شاید به اساس مشوره های غلط همین مشاورین چاپلوس تصامیمی را میگرفت که باعث خشم زیاد تر همسایه شرقی خود میگردد. عزیزالدین وکیلی مینویسد: «و در اینجا یک مطلب خیلی مهم را نیز باید تصریح نمود که: در مجلس اولین اقدام به جهاد استقلال افغانستان، که بتاریخ ۱۴ می سال ۱۹۱۹ دایر شده بود. صالح محمدخان، عظیم الله خان، نظام الدین خان، میرزا محمودخان، دین محمدخان و عده دیگر از درانی های فوقلذایی مشورتاً باهمی رای داده گفتند:

ماکرم بدعوی استقلال کامل مملکت خود بسته ایم و با هرگونه تلفات مال و جان حاضر بوده ایم و هستیم و اما اگر در این وقت دعوی ملک های از دست رفته خود را هم بنماییم بعید از حد امکان خواهد بود. این افغانستان موجوده را کسی از ما گرفته نمی تواند و بهتر است که در همین وقت همان حق تاریخی خود را نیز مطالبه کنیم. این خبر بوسیله جاسوسان بسمع مخالفین رسیده بود» تاریخ استرداد استقلال ص ۵۷-۵۸

ولی در نتیجه جنگ بی موقع و بی دلیل معلوم گردید که افغانستان نه تنها زمین های از دست رفته خود را بدست نیاورد بلکه در نتیجه موافقه ای که با ویسرای هند امضاء گردید چند وقتی قسماً حاکمیت بر سرحدات شرقی و جنوبی و همچنین حاکمیت قلمرو فضایی افغانستان را از دست داد. و این نتیجه غلط و بیمورد مشاورین کم تجربه، ناهل و چاپلوس بود که تا آخرین روز قدرت امان الله خان به دور او میچرخیدند.

شاه امان الله، با وجود آنکه با مشکلات اقتصادی، سیاسی و نظامی روبرو بود، بدون آنکه متوجه ضعف کشورش شود، اقدام به ماجراجویی دیگری نمود و در حریم یک قدرت استعماری دیگر، یعنی اتحاد جماهیر شوروی مداخله نمود.

شاه امان الله با وجود همه مشکلات داخلی، همسایه قوی شمالی خود را هم، با مداخلات بیمورد در سرحدات ان کشور، ناراضی میساخت. امیربخارا سیدعلم خان، در سوانح عمری خود «تاریخ حزن الملل بخارا» مینویسد که محمد ولی خان از طرف دولت بخارا به طرف دولت روس مراجعت نمود. اعلیحضرت امیرافغان بطریق روابط استحکامات دوستی فضل احمدخان برگد نظامی بمع دوصد نفر عسکریه و یک دسته موزیک و ۷ توپ و ۷ عدد فیل برای من روانه کرد. . . . « حزن الملل ص ۲۰

ولادیمیر بویکو مینویسد « فیودور راسکلینکف، که از نزدیک جریانات را در افغانستان در سالهای دهه ۱۹۲۰ ترصد میکرد، این گونه نتیجه گیری کرد که ماجراجویی حکومت افغانی از تصورات نادرست آن از وضع روسیه شوروی ریشه میگیرد. این چنین چشم انداز تیره و تار امپریالیزم حریص دولت جوان را که هنوز سرپا نایستاده برای اشغال سریع بخارای خاوری که آرزومندی دیرین امیر میباشد و به پنداشت آنها در وضع خرابی است، برمی انگیزد» بویکو، دولت و اپوزیسیون در افغانستان. ص ۵۶-۵۷

گریگوریان مینویسد: « بعد از سال ۱۹۲۲ او مجبور گردید که در این ناحیه از اقدامات جنگی خود دست بردار شود. ملاحظاتی اقتصادی و سیاسی تقاضا میکرد که او با برتانیه روابط خود را عادی نماید و در آسیای مرکزی شوروی از پالیسی فعال دست بردار شود. منابع محدود مالی و حالت محاط به خشکه کشورش او را اجازه نمیداد که برای دراز مدت پالیسی های پان اسلامیزم خود را تعقیب نماید. اگر او روابط خود را همزمان با شوروی و برتانیه خراب میساخت افغانستان را یک بار دیگر منزوی میکرد و در نتیجه پروگرام انکشاف اجتماعی اقتصادی کشورش را بطی مینمود» Gregorian, P237

شاه امان الله، که خود را یگانه رهبر مستقل، در جهان اسلام، تصور مینمود از خلافت عثمانی، که ترکها هم به دوباره زنده شدنش اعتماد نداشتند، حمایت شدید خود را اعلان نمود و در اولین سالگرد وفات امیرحبیب الله خان گفت که حاضر است جان خود را فدای خلافت نماید و از مردم کشورش هم چنین انتظار را دارد. او هندوستان را دارالحرب اعلان کرد و از مردم دعوت نمود که میتوانند به افغانستان مهاجرت نمایند. امان الله خان به همه کسانی که به افغانستان مهاجرت مینمایند وعده زمین، غله و کار را داده بود. بدین صورت در ظرف کمتر از سه ماه به تعداد ۱۸۰۰۰ تن، که در بعضی منابع ۲۵۰۰۰ تن هم تخمین شده اند به افغانستان سرازیر شدند. این مردم، که اکثراً غریب بودند، با کودکان و زنان خود، به امید زندگی مرفه و بدست آوردن زمین زراعتی رایگان، به افغانستان مهاجرت کردند ولی بعد از اندک مدتی دریافتند که کشور غریب افغانستان یاری کمک های مالی با این همه مهاجرین غریب را ندارد و از همان راهی که آمده بودند رجعت نمودند. گرچه با رجعت مهاجرین، به وطن و مأوای خود، بارسنگینی از دوش افغانستان برداشته شد ولی به حیثیت این کشور، در منطقه، لطمه شدیدی وارد نمود.

بدین صورت می بینیم که شاه امان الله، از روزهای اول امارت خود، تا آخرین روزهای پادشاهی به مشوره جوانان احساساتی، جاه طلب و چاپلوس عمل مینمود و اشتباهی بعد از اشتباهی را مرتکب شد. اگر در عوض آن از مشاورین اهل و با صلاحیت و باتجربه و همچنین از عقل سلیم خود کارمیگرفت شاید مرتکب این اشتباهات نمیشد. یعنی اگر به عوض شجاعت بینظیر از عقل و تدبیر کارمیگرفت شاید کارها به شکل بهتر به پیش میرفت؛ و در مقابل شورش قوم شینوار و زدهای سرگردنه حبیب الله کلکانی شکست قاطع و آخرین نمیخورد.

باقیدارد

[په افغان جرمن آنلاین کی پورتال د لیکوال آرشیف](#)